



فشار شدید آدمهای خمینی بر نفتگران شیراز

جیدی پهن در "حقیقت" اخبار مبارزات برحق کارگران و کارمندان پالایشگاه نفت شیراز برای حفظ یکی از دستاوردهای ناپذیری که در جریان انقلاب ۵۷ بدان نائل گردیده بودتستستست یعنی ۲۰ ساعت کار در هفته و تعطیلی پنجشنبه درج گردیده بود. بقیه در صفحه ۷

طبقه کارگر و لزوم مبارزه سیاسی بر علیه حکومت

(در حاشیه مبارزه کارگران ایران با سیونال و درسیهای که آموخت)

امواج بحران و مقاومت در جامعه، بتدریج در حین سال آغاز زیدن است. خمینی که تصور می نمود با رفتن بنی صدر از حکومت، رژیم ولایت فقیه وی تشبیه گردیده است. برعکس با بحران تشبیه در ایام سیاسی و اقتصادی که هر روز عمیق تر میشود. مواجه گردیده است. تلاش حکومت ولایت فقیه برای انتقال بحران اقتصادی به دوش زحمتکشان جامعه، مواجه با مقاومت آنان و پیوسته طبقه کارگر ایران شده است. امواج بحران بدینال خود موجب امواج مقاومت گردیده که در آغاز آن کارگران ایران بیشتر بیسن مقاومت را نشان داده اند. در میان اعتراضات، اعتراضات و مقاومت های کارگری در یک ماه و اندی اخیر، اعتراض و اعتصاب کارگران گارخانه ایران ناسیونال برجستگی خاصی داشته و بررسی آن بسیار راه انقلابیون و کمونیست های ایران حائز اهمیت فوری و جدی است. مبارزه کارگران ایران ناسیونال اولین مبارزه کارگری در دوران اخیر بر علیه حکومت و سیاست اقتصادی آن نیست. مبارزات و اعتصابات متعدد و کوچکی از جانب کارگران در یکی دو ماه گذشته بر علیه حکومت برپا گشته است و لسی رژیم توانسته است آنها را در محدوده، خویش نگاه داشته و ظاهراً اوضاع کارگری را آرام نشان دهد. ولی مبارزه کارگران ایران ناسیونال از آن جنبه اهمیت دارد که حکومت را بسه رود و روشی با خود در مقیاس کتوری جمهوری ساخته (مانند نطق وزیر کار - توکل - در روز قبل از اعتصاب و اعلامیه های متعدد انجمن های اسلامی و ... در

بقیه در صفحه ۷

طرح های نظامی آمریکا و سیاستی که با پدا تخا دنیا عیم

اوضاع جهان و از جمله خاور میانه تهدید روبه رو شده است. میگزاید، ابی قدرت ها خود را برای نبردهای بزرگ آتی و با نشان براندا ز آماده بنماهند و بطور آشکار و پنهان در پی ایجاد و تقویت صف بندی های نظامی میان کشورهای مختلف هستند. اعلام حکومت نظامی در لهستان آشکارا دشمنان جنایت با شوروی را در میسن عمل نشان میدهد. الحاق رسمی اتریش سوریه توسط صهیونیستهای توسعه طلب از سوطه های آمریکا حکایت دارد و سیر تحول جنگ با افروزنده دوا بر قدرت و مرخصین همدستان هر روزه شش ساله است. بجزیری بخود میگیرد. سوطه ها و حرکات پنهان و آشکارا بر قدرت ها در جهت سیر صلح نامه نوکران و رسم سازی. بقیه در صفحه ۲

وقایع لهستان (سازش و رقابت ابی قدرت های آمریکا و شوروی برای سرکوب خلقها)

ما جراتی که در هفته های اخیر در لهستان گذشته است یعنی کودتای ارتش سوسیالیسم در وین بر علیه مردم و علی الخصوص طبقه کارگر لهستان هنوز در زمینه اخبار بین المللی جایگزین ویژه خود را حفظ کرده است. نبرد طبقه کارگر لهستان با کودتای ادا معاد دوسر بریزه سرکوب ماشینی نیز هر روز سبب های طبیب لهستان را می دزد. مادر طبقه گذشته در بحثی پیرامون رویدادهای لهستان این مسئله را که این کودتا چرا صورت گرفته و ناشی از چه مابلی درجا مع لهستان بوده است مطرح گردیدیم و گفتیم که کودتای نظامی در لهستان رسوا کننده ما هیستستستست "سوسیالیسم" است که بلندگوهای مسکود بر سر جهان آنسوا بصورت راه سعادت بشری تبلیغ میکنند. بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۵

شماره اول
 طبعه کارگز ۰۰۰۰۰۰

اعتراض از آنجا آغاز
 میشود که حکومت برای انتقال
 بحران به کارگران ارجحیت
 تصمیم بر لغو بخشی از دستمزدها
 کارگران که صورت جسمی
 پرداخت نمیدادند، میگردد. بدین
 ترتیب در ۱۵ آذر به کارگران
 ایران با سیونال ابلاغ میشود
 که سهمیه و با حواله آنان، که
 هر دو سیونال یک پنجاه است، قطع
 خواهند شد. کارگران با اعتراض
 به تصمیم فوق، خواستار لغو آن
 شده و با ۱۵ آذر به معاصات
 حکومتی مهلت میدهند. از
 معاصات حکومتی خبری نمیشود
 تا اینکه در شب ۱۵ آذر سوکلی
 وزیر کار، در طی معاصات
 تلویزیونی بر تصمیم حکومت
 با شدت محدود کرده و به کارگران
 ایران با سیونال حمله کرده و
 آنان را متهم به واسطه کسری،
 دلالی و اسفاده با مشروع از
 بیت المال متعاضد! رورسند
 اعتراض و اعتصاب با حرکت
 کارگران سویت صبح آغاز شده و
 با پیشروی کارگران سویت
 سداظر ظهر، که در مجموع بر ده یک
 تا ۱۱ هزار نفر را در بر میگردد،
 با اوج خود میرسد. در اس میان
 جنبشهای ار کارگران بسیاری
 یک معوی عویس در جا رجسوت
 معاصات حکومت و جنبشی در
 جمع کارگران ظاهر شده و بخشی
 دیگر نماینی به تبلیغ میارند
 عویس حمایت از حکومت نشان
 میدهند. ولی برای همه
 کارگران روشن بود که این یک
 تلافی با حکومت است. جنبه
 معاصات حکومتی و سویتیزه

سوکلی در چند روز اخیر مرتباً
 سر علیه جنبش اعتصابات و
 اعتراضی همدار داده و هم چنین
 کارخانه، انباران با سیونال
 در کنترل دولت میماند و جنبه
 بخش خصوصی، در اس مجموع
 وسیع و تنوعهای کارگران سه
 سهانه مسئله، قطع حواله و
 سهمیه اعتراض کرده، بلکه به
 سپردن حقوق دموکراسیک
 برای کارگران که از جمله
 صورت اخراج های گوناگون و
 رفتار غیر انسانی با کارگران
 سرور میماند، اعتراض میکنند.
 در عین حال برخی از مدیران
 کارگری به مقایسه حکومت
 کمپوزی با رژیم شاه پرداخته و
 میگویند که این حکومت نیز به
 خواسته های ما جواب نمیدهد.
 در سقیف پیشمها صحبت با
 خمینی برای دادن درخواست
 کارگران، سداظر نما می معلوم
 میشود که سر طبق اعلام دفتر امام
 تا دو ماه دیگر چنین ملاقاتی
 امکان پذیر نیست! و اس هم
 تجربه ای میشود برای آن دسته
 از کارگرانی که معاصات سه
 تا کسبک ادا شده اعتراض در
 جارجوب حمایت از حکومت
 و خمینی را داشته اند. در روز
 سداظر اعتصاب و تظا هرات
 صورت وسیع و تنوعهای ادا شده
 تا فیه و هر دو سویت صبح و بعد
 از ظهر متحدان برای ادا سه
 اعتراض بهم می بودند.
 با لاف در خا تبه تظا هرات
 تصمیم میگیرند که ضمن بیگیری
 خواست های عویس موافقا به سر
 کار بر گیرند...

اعتصاب و تظا هرات
 کارگران ایران با سیونال
 موفتا بیایان رسید. ولی سسی
 دوروا اعتصاب و تظا هرات
 وسیع و گسترده کارگران
 ایران با سیونال که در سرور
 گسترده شده، همه بوده، کارگر
 کارخانه، موی بود، با تظا هرات
 اهمیت وسیعی در خا تبه نهاد.
 معاصات حکومتی در طی سسی
 اعتصاب و عویس ادا شده و
 سسی در عدم روروشی با اس

اعتصاب، که بر علیه آنان بر پا
 نشده بود، محمودیت. تظا هرات
 دولتی و حکومتی صحن صا جنبه
 های متعدد و اعلام سه های
 بی درسی، بدون نام بردن
 از ایران با سیونال، بی سه
 اعتصاب حمله کرده و آبراه محکوم
 میشوند. مقامات کارخانه سه
 در روزهای اعتصاب، حضور را
 کنار یکدها شده بودند. پاسدازان
 دورا دور مراقبت بوده و هر شست
 هیچ مداخله ای را نداشتند.
 وقتی سدا پنده آنان هوا ستار
 صحبت شد و کارگران را به قبول
 سیاست دولت دعوت نمیشود،
 سخنرانی او چندین بار منتشر
 شده و با لاف و تها پنده با سدازان
 مجبور به ناسام گذاردن صحبت
 خود و ترک فوری جلسه شد!
 انجمن اسلامی که معمولاً دعوی
 حمایت از کارگران را در معا -
 بیل سرما به سدازان میسود،
 مخالفت خود را با اعتصاب
 اعلام کرده و حتی کسبا خا سه
 اعداد به یک تظا هرات چند صد
 نفره بر علیه اعتصاب نمود. در
 تظا هرات فوق علاوه بر تعداد
 فلیلی از کارگران کارخانه،
 سداظر وسیعی از خا رچ از کار -
 خانه شرکت داشتند! بدین
 ترتیب هم ر نظر عملی و هم از
 نظر سیاسی، انجمن اسلامی
 سداظر آنکار خود را با کارگران
 ایران با سیونال و اعتصاب
 آنان اعلام داشت.

ولی مخالفت با اعتصاب
 کارگران ایران با سیونال
 محدود به حکومت و ارگان های
 اسلامی آن نبود. تظا هرات
 سرور غیبی طبقه کارگر که قبلاً
 تجدید نظر طلبی و نفسی سسی
 ما را که میسود. لنینیسم و نفسی
 انقلاب را به سدا دارند، این
 بار نیز در عمل صحبت خود را با
 اعتصاب کارگران ایسرا ن
 با سیونال نشان دادند. حزب
 شده ایران به یک حکومت
 اسلامی، بدون ذکر کردن نام
 ایران با سیونال، در همسان
 روزهای اعتصاب بلافا تله سه
 محکوم کردن آن پرداخته است.

حزب بوده در روزها سه
 خویش " اتحاد مردم " (صحرور
 ۱۶ آذر) اعلام نمود که صا
 و کم کاری در برخی از بزرگترین
 واحدهای صنعتی کشور
 نادرست بوده و بطول ایسرا
 خا نشین " این اعتصاب به هیچ
 وجه توجیه پذیر نیست " بدین
 ترتیب کارگران ایسرا ن
 با سیونال در عمل تخریب سه
 نمودند که در مقابل صا سویت
 فشرده و خواست های بحق آنان
 نه فقط حکومت ولایت فقیه، بلکه
 دارو دسته صا انقلابی و خا نشین
 حزب بوده، که قبلاً طرحه ری ار
 طبقه کارگر را به تن دارد، هر
 دو متحدان با خا ستاند، و همسان
 طور که سراسر سادات بعدی زندگی و
 مبارزه کارگران خواستار موافقت
 در آ پنده تهمیز بر علیه کارگران و
 مبارزه آنان به با خواستند.
 در بررسی اعتصاب و
 مبارزه کارگران ایران نسا -
 سیونال و در سباتی کسه از آن
 میتوان آموخت، سوجه جنبه
 نکته برای تظا هرات
 کارگر و برای ما را یک سست -
 لنینیست ها ما تها همت است
 یکم آنکه این اعتصاب
 حرکت خود خویش و خود سسودی
 کارگران اس کارخانه بود که
 مستقماً بر علیه حکومت و سادات
 سداظر گری آن سنا سه و
 تها نصت بوده وسیع کارگران
 این کارخانه را بطور متحد سداظر
 جلب نماید. بهما رت دیگر سر
 خود خویش شرکت وسیع و
 یکبار چند کارگران و مبارزه سر
 علیه سادات سداظر گری حکومت
 ولایت فقیه، که کوشش بر انتمال
 بحران افتخار دین سست ر دوش
 کارگران دارد، از صا سات و
 شفا ب مرجنه این اعتصاب
 بود. و بدین لحاظ که مستقماً
 بر علیه سادات سداظر گری
 حکومت سنا نه گرفته بود، دارای
 جنبه سیاسی بود، حکومت
 خود که سه خمینی از سست ر
 عویس یا فاض و گسترش اس
 مبارزه سسی در عدم بر خا سویت
 روروشی با اس

بسمه ارفعیه اول
 طرحهای نظامی ۰۰۰۰

گذشته از مطامع سلطه مویا به و توسعه طلبانه شوروی مسرعی
 دیگری به آبهای گرم آسیا سوی هندوستان به هضم نفسی خطیب
 فارس، یک امروز است و آن اینکه آمریکا جای جهان و هم
 از نظر راه است و توسعه مناطق تحت نفوذ خود در برابر شوروی برای
 یک جنگ جهانی آتی، و هم از منطقه نظرا حیا و حکیم مؤسس
 نظامی - سیاسی و اقتصادی از دست رفته خود در ایران (ناشی از
 سرنگونی رژیم منحوس پهلوی در انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷) گسه از
 اهمیت درجه اول نظامی سیاسی برای مطامع جنگ طلبانسیه
 امپریالیستها برخوردار است، و نیز برای جلوگیری از گسترش
 دامنه تاثیرات انقلاب بهمن ماه ۵۷ ایران در میان ملل
 منطقه و خطر از دست دادن آنچه که امروز تحت نفوذ خود دارد، ایران
را میخواهد. آمریکا ایرانی را میخواهد که همانند ایستوران
 دوران رژیم منحوس پهلوی، با نگاه و سکوی پرش نظامی - سیاسی
 و اقتصادی آمریکا در منطقه باشد. هیچکدام از کشورهای منطقه
 ظلمت چاه زنگنه نظر موقعیت جغرافیائی و چاه زنگنه نظر سطح
 فرهنگ و مکانات انسانی و مادی با اندازه ایران سسورای
 آمریکا ارزشمند نیست.

فردا لیدی مفسر و متخصص خاور میانه شناس انگلیسی در
 بررسی اوضاع یکساله اخیر ایران که در برنا مه ۵ دسامبر از
 بی - بی - سی بخش شد، در خاتمه بررسی های خود اذعان داشت
 که تکلیف ایران بلحاظ اهمیت جغرافیائی سیاسی آن در منطقه
 نفت خیز خلیج فارس با بد روشن شود، و با درس گیری از وقایع
 اخیر لهستان اعلام نمود که دورا در بریا برابر ایران بیشتر وجود
 ندارد، با مردم ایران خود اوضاع کمونی داخلی را تمهید
 خواهند داد و با اینکه دیگران این کار را انجام خواهند داد، روشن
 است که این سخن نپراکنی ها و تقاسیراتی اردو سوختگی ایشان
 نسبت به ملت ایران نیست، لیکن بدون تردید به ما این توضیح
 این است که ما بد تکلیف ایران را بلحاظ اهمیتش سسورای
 امپریالیستهای غربی و شرقی وحشی قبل از اینکه خود مسردم
 ایران بتوانند از حکومت غاصب و کودتایی کمونی خلاصی
 یابند، روشن کرد.

با این تفاسیر و آن اقدامات عملی نظامی و سیاسی بساد
 شده در هوای روشن است که دعوا سر سر تمهید تکلیف ایران میباشد
 و امپریالیستها و علی الخصوص آمریکا برای ایران نقشه کشیده
 اند. نتیجه اینکه میتوان از چنین اوضاع و احوالی بدست آورد
 اینست که ملت ایران در آن شبه در رویا روشی با اب قدرت مسا و
 با دیدشان قرار خواهد گرفت و لذا میباشد برای چنین شرایطی
 خود را آماده و تجهیز نماید. در این جا است که مسئله مناسبات
 میان سردم ایران و رژیم جمهوری اسلامی با بد روشن شده و حل کرده
 ممکن است برای برخی چنین توهمی پیش آید که توطئه های
 آمریکا در عین دوری با رژیم جمهوری اسلامی و احتمالاً در جهت
 سرنگونی آن، بد این حکومت وجه و بار مخرقی خدا میریسا -
 ایسی و با حداقل فدا آمریکا میبخشد، و لذا کوتاهی مسردم
 ایران و نیروهای انقلابی برای سرنگون ما ضمن این رژیم
 مترادف با همدستی با آمریکا و با دست کم همکاری با خواهشهای
 خواهد بود و در نتیجه چنین حرکتی محکوم و با دست کم ما درست است،
 هم دستگاره عریض و طویل سلیمات گوشخراش حکام آرا دیگس
 ولایت فقیهی منعی بر ما ملاحظ فدا آمریکا می باشد و فدا امپریالیست
 بودن خود! و هم ترهات عوامل وابسته و حربه خوار روسیه چه نوع
 توده ای آن وجه تنوع اکثریتی. در این زمینه به شوش گسردم
 اذهان مردم و جنبش مرفعی و انقلابی مشمولند. بسمه ارفعیه ۳

سرای جنگ آتی بدیال خود به سفر نخی اوضاع بین المللی
 و بطور خاص خاور میانه می افزاید و در این بین خلقها و ملل
 کشورهایی که وابسته و با مریخ (از جمله ایران) میباشد
 میباشد بصورتی از این اوضاع مریخ تضادها بدست
 آورید و تکلیف خود را روشن نمایند.

همین چندی پیش منابع خبری بین المللی از طرح حمله
 نظامی آمریکا به مناطق جنوبی ایران اطلاع دادند. این طرح
 که در محافل نظامی آمریکا به طرح "ترب و ابر" (به معنی
 سیمبله) موسوم شده، ظاهر اسرای "حفظ منافع نفتی و امنیتی"
 آمریکا و تادی این مسائل در "اولین مرحله" احساس خطر
 منطقه جنوب ایران توسط نیروهای آمریکا می اشغال خواهد
 شد" (کیهان ۲۴ آذر) - معنی "احساس خطر" در این طرح تجاوز
 نظامی شوروی به ایران و با دست کم احساس آن بصیر شده است،
 طبق همین گزارش حدود ۵۰۰۰۰ کماندوی با نکی در مناطق جنوبی
 ایران مستقر خواهند شد و در عین حال پنتاگون برای گسردن
 امکانات تجهیزات خود پیش ارتک ملل را در لایه هزیسیه
 نگهداری نیروی ۱۷ هزار کماندوی در باش آمریکا افزوده
 است؛ این تعداد کماندو بخشی از نیروهای واکنش سریع آمریکا
 را تشکیل میدهد که حدود ۲ سال است برای وارد آوردن ضربات
 نظامی و دفاع از منافع آمریکا در مناطق حیاس دنیا احضار
 شده است. فرمانده آمریکا می این نیروی واکنش سریع از
 انضباط ۳ محل در کشورهای عربی خاور میانه برای استقرار
 نیروها سخن رانده است. اخیرا یک قرارداد عظیم ۳/۲ میلیارد
 دلاری نظامی میان آمریکا و دولت نوگرمش ضیا الحق منعقد
 شده که از جمله ایها دیک با نگاه در باش - هوایی برای استفاده
 نیروهای آمریکائی در جنوب پاکستان زاد بر بردارد. در ترکیه
 علاوه بر ماده سیاست تجهیزات نظامی آمریکا در آن کشور، اخیرا
 اربا سین ۱۵ فرونگا جدید خرید میدهد. حکام و سلاطین خلقسیه
 بگوش کشورهای عربی خلیج فارس به سردمداری سعودی ها دست
 به استفاده از اذها و بیمان های نظامی و امنیتی در برابر
 "ساحم خارجی" که ایران را منظور دارند، زده اند و آمریکا نیز
 زضا را این حرکت خائنداری نموده است.

افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه چه بطور مستقیم و چه
 از طریق وابستگان خود و شدت بخشیدن به تحرکات و توطئه های
 سیاسی و نظامی چه در مورد جنگ ایران و عراق وجه در استناد
 و سسردم، هفتا از تکلیف گتری اجراء یک سیاست تنها جمعی و تجاوز
 کارا به اعجاز با لسم آمریکا حکایت دارد.

بدون شک در مسائل چنین سیاسی رفیب سوسیا لیست سسردم
 آمریکا، یعنی شوروی امپریالیست نیز بیکار و نشستها است،
 اینکه طرحها و توطئه های نظامی و سیاسی شوروی از چه سسردم
 چه عراق مستکله ای برخوردارند، گزجه آشکار نیست، لیکن
 هتا به قدر جمعی و واقعی هستند که حضور ۸۰ هزار نظامی روسی
 اذها سسردم و ما حکومت نظامی نوع روسی که اکنون سسردم
 لهستان آمده و با حضور سوسا و گسهای در سانی روسی در مناطقی
 در نای جنوب ایران سسردم میل انکارند.

شماره هفتم ۳
 طرحهای نظامی ۵۵۵۵

آنها میگویند هرگونه مخالفت و مبارزه علیه رژیم ولایت فقیهیی صاوی است یا همدستی با آمریکا. استقلال ایران در منشوش کردن ادهان مردم با سران است که دشمن دشمن من دوست من است. و چون انقلابیون رژیم جمهوری اسلامی را دشمن خسود دانستند و آمریکا نیز با این رژیم دشمنی می ورزد، لذا آمریکا و انقلابیون ایران دوست هم را از درمی آمدند! حال اینکه نه عبادوری آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی حاکی از صدا میریبا - نیست بودن این رژیم است و نه کوشش های جنبش انقلابی برای سرنگونی این رژیم ساده، همدستانیی و دوستی با آمریکا و آبادی اش کمی بدشمنه مسئله میرد اریم.

ماهیت بقا دمیان آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی

آنچه جنبه ترفنی خواها نه و یا استقلال طلبانه در رژیمیم ضمیمی وجود داشت، سرانجام با کودتای خرد اما دگدشته به نفسی خود و استیوار یک رژیم ارتجاعی. چه لحاظ سیاستی که در فعال بوده، مردم با ذکرده است و چه بلحاظ منافع طبقاتی که ایمن رژیم به نفع آسیب د منجر گردید. تحول ارتجاعی در این رژیم با انگه مال کردن حوا یب مبریی و استقلال طلبانه، خود از زمان تلاش با آمریکا بر سر مسئله، گروهکها و ترکوب آرادیهیها و دسا وردهای دموکراسی که میامهین ما آ غاز گردید و با کودتای خرد اما دگدشته که منجر به لغو هرگونه آزادیهای سیاسی ترامپسا شونت قرون وسطائی و با بیان دادن به هرگونه زمینه تحول و ادامه انقلاب بزرگ بهمن ماه ۵۷ شد، ننگا مل با فتنه و تمام عیار گردید. یک رژیم سنیایی به یک رژیم ارتجاعی قرون وسطائی شغیر ریافت. مناسبات این رژیم با توده مردم و حوا یب سدهای دموکراسی آنان از یک حالت در مجموع مسا لمت آمیز تا قبیل ارحوادت خرد اما دگدشته، به یک حالت در مجموع فترا میسر ننگا مل بافت. امروزه دیگر مکان هم ریسی و مبارزه مسا لمت - عویا نه میان نیروهای خاکم در این رژیم که صدی در سرا سر نشند انقلاب مردم شده اند و سوده مردم که خواها ن ادامه و تعمیق و گسترش انقلاب خود هستند و خود را دوسنها راه قهر آ میرا سادگسه مناسبات میان این دورا همیین میما یید. امروزه با ضحری کسه ما کودتای ارتجاعی خرد اما دگدشته بر یک انقلاب وارد شده است، رژیم جمهوری اسلامی بزرگترین عامل با زدارنده و سدکننده رشد انقلاب و هرگونه ترفنی و سالی ملی و مردمی است. امروزه قبیل و جنبش اهر نیروی دیگری رژیم جمهوری اسلامی است که در برابر انقلاب ایستاده است. چه در عرصه آزادیهای سیاسی برای شرکت مردم در همه، ساس و تعیین سرنوشت خود، چه در عرصه مسا شسل عامل و جا دما معما سدر من برای روسا شان، چه در زمینه اقتصاد ساست بهبود و معیسی سوده مردم و با مین رفسیا ه احسا عی وجه در زمینه احسا دسیاست هاشی که استقلال اقتصادی عا معه را با من نشانند، و چه در مورد حقوق ملیتها و زبان و ... و چه در مورد سیاست دفاع از مرز و سوم کشور. شروع امکان گسترش انقلاب و ادامه آن سوا طه، این رژیم ارتجاعی بسته شده است. این رژیم سنها از منافع منشی فتودال و سوزواری سنی و دلالت

سلک قرون وسطائی دفاع میکنند و در تمام زمینهای قرون ال ذکر و منیت اقتصادی و سیاسی این افکار را از جهت و ارتجاعی را تقویت میما یید، که افکار محسودهی از جا معه را بوا طه ساسه انگیزه های مذهبی متوهم کرده و بدنبال خود میکشاند، و در این بین چیزی خرفغان، تنگنیم و روابط فتودالی، اقتصاد و ورشکسته و وابسته و گرسنگی و بیکاری و بی فرهنگی و عقب مانده سگی عا بدتوده های وسیع مردم نمیگردد. و این نتایج محتوم رژیمیم ولایت فقیه و با همیا رت درست تر سلطنت و استبداد منشی ظا طمن به ملت در پرده دین است. این از زاویه مناسبات میسا ن مردم و حکومت.

لیکن آنچه در ظاهرا مرتضی میرنیافته است، بقا دمیان این حکومت و امیریا لیم و بطور اخص امیریا لیم آمریکا نیست، میگوئیم در ظاهرا، چه این بقا دغیر غم تشدید عا ش دردوران اخیر، با تمیر ما هوی رژیم جمهوری اسلامی به یک رژیم ارتجاعی به یک بقا دمیان دوسروی ارتجاعی تبدیل شده است. به عبارت دیگر ترکی درد عوا و بقا دمیان رژیم جمهوری اسلامی و امیریا لیم آمریکا نیست، و بقا دمیان دوسروی ارتجاعی تشدید یافته است. دیگر دعوا میان یک نیروی ارتجاعی (آمریکا) با یک نیروی سنیایی است که دارای حوا یب مترقی و استقلال طلبانه است (رژیم خاکم قبل از خرد اما دگدشته) نیست، چه نه در این رژیم جنبه ای از ترفنی خواهی باقی مانده، و نه جنبه ای از استقلال طلبی که منافع توده های سهن ما را در برگیرد. چه از لحاظ سیاست اجتماعی این رژیم و چه از لحاظ سیاست اقتصادی و روابط خارجی آن، جهت گیری سوی وابستگی و ارتجاع و با رگش به شیوه های مسموم قرون وسطائی حکومتی است.

با بدسوجه کرده هر سروی که مخالف است امیریا لیم سنی است کلنی و با بحا لف یک امیریا لیم بطور اخص با شد، لزوما حا صصل عسر مبریی ندا امیریا لیم نیست. لنین در چنین سوارادی است که دیگر کودتا تنها از جنبشهای مخالف امیریا لیم دسنا ع میگویم که و اما انقلابی با شد، نه ارتجاعی. در تاریخ صا سر کشور خودمان، مخالفت انگلیس با سلطنت قا جا ریه نه بیسا ن ترقی خواهی انگلیسیان و نه میان ندا امیریا لیمت بیسودن حکام جبار عا را ییود. طرح امیریا لیم آمریکا سنوان انقلاب سفید، نیزه میان خواست به تحولات "ترقی خواها نه" آمریکا (آنگونه که توده ایها میگویند گرایش منمت در رژیم شاه) و سسه مخالف فتودالیهای مخالف اعلامات ارضی آمریکا شی بیسا ن ندا امیریا لیمت بودن آنان بود. صرف داشن اختلاف با بیسک نیروی امیریا لیمت و یا غیره کمی را نه مترقی میکند و سسه ارتجاعی. آنچه محک قضاوت است ما هیت و سیاسی است که آن کنی دارا است و پیروی میکند. نه تنها با بد موضوع اختلاف را در بافت بلکه همچنین با بدید طرفین دعوا برای چی و برای کنی (یعنی در دفاع از منافع چه طبقاتی) به نرا ع با یکدیگر مشغول میما شد. آنچه میما یست در مد نظر انقلابیون فرا رگسرد است که دعوا ی کنونی رژیم جمهوری اسلامی با امیریا لیمیم آمریکا بر سر تنگنیم استقلال ایران و گسروش ایما دود سنا وردهای انقلاب نموده، بلکه بر سر تنگنیم حکومت ارتجاعی و عقب مانده تحا لوی دین و نا چا را روابستگی ارضی رژیم خاکم و ایسا یک رژیم سنیایی است و هاشستی و وابسته آ آمریکا ارضی امیریا لیم آمریکا است. البته به رژیم ولایت فقیه ا دسنا شی خردا امیریا لیمت بودن دارد و نه رژیم آمریکا ا دسنا شی سسر حکومت آرادیه خواه!

در آن مقاله ما نشان دادیم که کودتای لهستان مانده تصبسا و
نظامی شوروی به افغانستان و قبیل از آن تنها و زقوای پیمان و ورشو
به چکسلواکی همه و همه زخمیرای است که بیگانگی ما هسوی دو
اردوگاه معروف به شرق و غرب را که هر دو با کودتای گری - استبداد
و تنها و زو حنگ طلبی عین هستند بر ملا میکنند - اما در سهای وقایع
لهستان به این مسئله محدود نمی ماند و ما بر سر آن نیم تا در ایس
سطور به بررسی بحران و کودتای لهستان و دورنمای آینده آن
از زاویه اوضاع بین المللی بنگریم و بگوئیم تا در این رابطه
نیز مسائل را که توجه به آن برای انقلابیون و طبقه کارگر ایران
شوروی است مطرح سازیم .

دیگر نردیدند تا بداد است که جهان کنونی دستخوش تشدید
و حدت با بی تضادهای گوناگونی است که در آن میان تضاده
میان انقلاب و ارتجاع جهانی یعنی تضاد میان طبقه کارگر و
طبقه های زحمتکش با امپریالیسم و رنجهین رنگارنگ از یک طرف
و تضاد میان دوا رد و بندگی امپریالیستی به سرکردگی آمریکا و
شوروی از مهمترین آنها هستند . به هر گوشه جهان که بنگریم
جلوه های مختلف مبارزه ای که از این تضادها نشئت میگردد
دیده میشود . بنا بر این توجه به وقایع لهستان و درس گیری از
آن سبب بد در ارتباط با این تضادها در کلیت جهان صورت
گیرد و اگر گذاری این تضادهای کلی بروقایع لهستان وهم -
چنین تا شرایط و اوضاع لهستان بر اوضاع جهانی مورد ارزیابی
قرار گیرد .

امپریالیسم و بخصوص دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و
شوروی علمبرغم همه تسلطانی که در باره صلح طلبی خودشان
بر انداخته اند مشغول تدارک یک جنگ خونین جهانی هستند .
رشدتسلطیات اتمی و غیر اتمی ، ایجاد تضادهای مختلف
نظامی منطقه ای ، کودتاهای پی در پی در کشورهای مختلف
وروی گار آمدن حکومت های دیکتاتوری وابسته و فاشیستی در
کشورهای مختلف از جمله ناشی از همین تدارک برای حوامخونی
است که دوا بر قدرت میخواهند در جهان بر آید تا زنده در دست
بهمین دلیل هر دوا بر قدرت محتاج به آن هستند که در اردوگاه
خودشان وحدت مسلحی ایجاد میکنند تا بتوانند بر مبنای این
وحدت به محاف آینده بروند و به همین دلیل است که هیچ یک از
دوا بر قدرت نمیتوانند در اردوی خودش وصله های نا جور یعنی
جریانات و اوضاعی که در صف متحد برای آینده شکاف
بیا نندازد را تحمل کنند . آمریکا در کشورهای مختلف از جمله در
ایران به روشنی شما مخواستار یک دولت دیکتاتوری نظامی
وابسته است تا بتواند در صف بندی جهانی اش نقش خود را ایفا
شما بدو شوروی هم به همین نمیتوانند در شرایطی با اصطلاح
"دیگرایستی" و "منعایت" و "مسئول" را در کشورهای دست -
شما شده اش تحمل کند . حرکت سوسیال فاشیستی دارودستگاه
رستگاری ملی به رهبری یا روز لسنکی در لهستان گواها رزی بر
این ما حراس است . مقامات شوروی به تنهایی از کودتای نظامی در
لهستان پشتیبانی کردند بلکه تهدید کرده و میکنند که در صورتی
که با روز لسنکی موافق نشود شوروی و قوای پیمان ورشو خود دست

بگذاروا هستند . مراحلی که اتفاقا شوروی در این زمینه به سرور
و داده است آشکارا تا حد امپریالیستی و رضا جل این امر قدرت
به زور و ارتجاع را به نمایش میگذارد . نقش شوروی در لهستان
درست مانده نشانی آمریکا در کودتای ۲۸ مه ۱۹۳۸ دوا بر سران و
کودتای شیلی بر علیه آلنده است و مبرود تا به نفسی متا بسسه
"شیطان بزرگ" در ویتنام نیز تکان مل با بد و این مسئله یعنی
نقش شوروی در کودتای لهستان نکته اولی است که در بررسی
ایجاد بین المللی وقایع لهستان با بد در نظر گرفته شود .

از سوی دیگر هر دوا بر قدرت اگر چه در صفوف خود هیچگونه
نفعی های نامازی را نمیتوانند تحمل کنند ، بیکوشند تنها در
اردوی حریف به وجود آمدن شکاف ها در این بزنند و برای غسود
بریل ها شی ایجاد کنند . بنا بر این بدیهی است که به همیس
دلایل پیش گفته از نا زکاری ها در اردوگاه مقابل استقبال
نیکند . پشتیبانی و دامن زدن به حرکت های اعتراضی در
لهستان در رسانهای غیر بی غرب دقیقا مطابق این نقشه و
برای ایجاد زمینه در جهت منشئت کردن صفوف حریف بوده است .
تعلیقات گسترده برای اتحادیه همبستگی در اروپا و آمریکا و
ژاپن گواها دعای ما است و نمیتوان تردید داشت که در گسترش
نهضت مقابل با حکومت لهستان در این کشور سیاست هسای
امپریالیسم غرب نیز موثر بوده است . و این نکته دوم در ارتباط
با نا شهروندهای بین المللی در وقایع لهستان است .

اما چنانکه گفتیم اوضاع جهانی کنونی دارای
یک ویژگی مهم است که آن عبارتست از گسترش روند سوسیالیسم
انقلابی علنیا که در وقایع لهستان نیز ما آنرا به وضوح در
نهضت کارگری دیگرایستی و ملی این کشور و همچنین در مقاومت
ملت لهستان در برابر کودتای فاشیستی ما هم میبینیم . نکته مهم
هم این است که علیرغم همه تضادهای و گرایشات و عوامل پیش
آنچه در لهستان به مثابه عنصر اصلی بروز وقایع جلوه گرا است
تضاد میان طبقه کارگر و مردم لهستان با حکومت خیانت پیشه و
مستبدان کشور و اربابان سوسیال امپریالیستی میباشند
درست در همین رابطه هم هست که تعلیقات شوروی و آمریکا در
ارتباط با لهستان علیرغم همه ها شی که به یکدیگر میکنند
دقیقا به یک روال افتاده است . هم آمریکا و هم شوروی جنشی را در
لهستان مشتم به زیا در روی میکنند و مستفادند که با اید و وضوح
تشبیه شود . البته شوروی از این بحث میخواستار هدایت در مسسور
همبستگی و نهضت کارگری لهستان شکاف ایجاد کنند تا راه برای
قطع وضع گامل آن هموار شود . آنها میگویند که ما تا اتحادیه -
های مستقل کارگری موافقم بشرط اینکه آنها (یعنی طبقه
کارگر لهستان) قصد تسخیر قدرت سیاسی را نداشته باشد و این
شرط میخواستار هدایت جریانات ما زشکار در همبستگی را به تضاد
با خودشان بگشایند و آنکا سنگین خود را با نهضت کارگری
لهستان بگیرد کنند . اما آمریکا نیز که به تلف بحران لهستان
توانسته است از طریق امتیازات اقتصادی و سیاسی مختلف در
این کشور در اردوی سوسیال امپریالیسم شکافی ایجاد کند و
سرپل ها شی برای خود سازد نیز همبستگی را مشتم به زیا دهد
روی میگردد چرا که از این میترسد که اول در نتیجه حرکت همبستگی
و مکن العمل شوروی امتیازات تاکنون بکف آورده را از دست
بدهد و نا سبب گسترش نهضت همبستگی و ایدیکا لیزه شدن آن نیز
چند در سطح لهستان وجه در صحنه جهانی تا شرایط خواهد داشت
که طبقه کارگر لهستان نیز امپریالیسم آمریکا را تا سوسیالیسم
شواهد است .

نسخه از صفحه

طرحهای نظامی ۰۰۰۰۰

فشار شدید ۰۰۰۰۰۰

نسخه از صفحه اول

علت مخالف رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا از روی ترقی خواهی خدا میربالمستی نیست. در عین حال علت مخالفیت و عداوتی آمریکا با رژیم خمینی به چند لحاظ است. اولاً این رژیم بی ثبات است و بلحاظ این بی ثباتی عاملی است که مسافعی آمریکا را به محاطه می افکند. آمریکا خواهان ثبات در منطقه برای تحکیم نفوذ خود میباشد. ثانیاً از نظر آمریکا این حکومت، حکومت آمریکا نیست، حکومت غیر است. آمریکا خواهان حکومتی خودی و با ثبات است. ثالثاً این حکومت بخاطر بی ثباتی و غیر آمریکائی بودن، از نظر آمریکا طعمه آمادگی برای شوروی است و شوروی میتواند با توطئه های خود این رژیم را بخود وابسته نماید. امری که برای آمریکا غیر قابل تحمل است. رابعاً انقلاب مردمی بهمن ماه ۵۷ یک سبلی درگوش آمریکا بود که تا شیراب نگر می در میان مردم منطقه خاور میانه پدید آمد. گداختن و آمریکا برای حفظ و تحکیم موقعیت خود مترصد فرصتی برای ساریس گرفتن ایران و غارت کردن ثبات آن در منطقه است. و بالاخره خامنه ای این رژیم بواسطه خصوصیات پادشاهی و اشرافیت بر کوهی اش توسط نیروهای انقلابی و مردم ایران برود. امری که ما زهم برای آمریکا غیر قابل قبول است. بنابراین دیگر این رژیم رفتنی است. سؤال حل شده است که مردم ایران و نیروهای انقلابی اش این سؤال را به نعم مسافعی ملی و انقلابی خود حل خواهند کرد. دوماً آمریکا و ایدش با تها و زور کودتا همین سؤال را منع خود حل خواهند نمود. بر مجموعه این عوامل نیز باید افزود که مخالفت آمریکا با این رژیم هم جدی است و هم واقعی و هم جا دتر. لیکن میباید زرات با اصطلاح خدا میربالمستی رژیم جمهوری اسلامی را با فرا تر ارفاطی های گونجراش و صدور قطعنامه های تند با محکوم کننده آن می کنند.

آنچه برای مردم ایران سنگ محک برای عطاوت مسلمان مخالف انقلاب اسلامی با رژیم ولایت فقهی، با مخالفت مسافعی و امیربالمستی و آمریکا بی باک است. همانا ما هستیم و او به او اهدافی است که این دو گروه را از یکدیگر متمایز میسازد. سمارت دیگر - آنچه برای جستن انقلابی می بایست استنتاج نمود - است که تنها سیاست درست و انقلابی در سرخوردن به رژیم حاکم می باشد در امتداد خود می باشد. نگاه ما بر آمریکا - لیکنها و در جهت استقلال ملی را در برداشته باشد. و این سیاست می بایست هم در تسلیمات ما در مصیح مردم هم در شعار رهبری میباید راضی ما خود را سوزج میسکین نماید. طبیعتاً مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی بدون خط کشی روشن با امیربالمستی آمریکا و سایر قدرتهای امیربالمستی شرق و غرب، حتی در بهترین حالت، حالت خود به تنها سودی برای انقلاب ایران نخواهد داشت. بلکه به نفعی است. بی اراده - هر چند ما خواسته - دست امیربالمستی را بجا تبدیل خواهد گشت. و در این میان امکان سوء استفاده رژیم حاکم را از احساسات خدا میربالمستی نموده های مردم بسیار خواهد گذارد. همانا بگویم که تا کسوم بخاطر غفلت برخی سرویسها داده است. این امر همی است که همه نیروهای ترقی و

این مبارزه که بر طبق حکم و روگویی نه و وزیر نفت آغاز شده بود. ما پورش و جنبه به حال زمان بدست حکومت ولایت فقهی و دستگیر می کرد. کشوری از کارگران مبارز و حق طلب و همچنین سلب ممان یک شکست رهنبری کننده. اعصاب در میان نفعگران، موفقیات فروکش کرد. ارتجاع ولایت فقهی از آنجا که نقش تعیین بران نهرمان را در سیر تحولات گذشته بخوبی دیده و به قدر آن نهی و واقف است لذا نمیخواهد به این زودها دست بردارد و سپس از بحمیل کار در روز پنجشنبه به کارگران سخت، به دشمنی خود علیه آنها که کار ادا می دهد و هر روز ادا می دهد وارد آوردن جریبه ای دیگر میکند. با شما مریه ها نوش کند!

روز ۶۵/۹/۸ برای سخن از اعمای شورای کارمندان بالایشگاه شیراز که مدتی هفت ماه بطوریکه در زندان سر میبردند دادگاه انقلاب اسلامی شیراز احکامی بشرح زیر صادر کرده است:
۱ - حواد آزرم به ۲ سال زندان و اخراج از کار. ۲ - نمریز فری به ۱ سال زندان و اخراج از کار. ۳ - اوجی به ۱ سال زندان و اخراج از کار. صمیمی دیگر از اعمای شورای کار که مخفی شده است غیباً اخراج نمود.

روز ۶۵/۹/۱۰ از امروز حاج ظاهری معروف به حاج والی (والو دزد زمان شاه) یکی از عناصر منفقور انجمن اسلامی بالایشگاه شیراز رئیس با کساری بالایشگاه گردید. سابقاً مهندس گدیور رئیس با کساری بود که سبقت بر روز اخلافاتی ما که کتب شرع شیراز حزب الهی های بالایشگاه از این سمت معزول گردیدند. حاج ظاهری و هم دستا نشانیان که در این امر درگیرند، قیامت خواهند داد. کارگران را اخراج و قطع کنند.

اطلاعیه نظامی ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

تعمای مردم ایران دراز است. و در چنین شرایط توطئه آمیزی تنها همدمی و یاری شماست که میتواند کار ساز باشد. و با ز در این راه مردم منطقه ما ز دران وظیفه ویژه ای دارند. و نه تنها در یاری برای شکست دیوار توطئه، سکوت، که در حال نشین به تعامی سیکراس میام.

پیش از این گفته و یار دیگر نگرا می کنیم:
"ای مردم دلیران ز دران و ای فرزندان رشیدان و باطل و سایر نهرها و روساها و دشمنها و کوههای شمال! همچنین شد که نخستین میدان جنگ سربداران و اولین فریادگاه دشمنان کینه توز ملت ایران، خطه گرده پوروشا باشد. ای شما نخستین سگر شعله کش قیام سربداران و آغاز گاه قیام هرین آمانی عمومی مردم ایران خواهد بود. سپا خیر بدو به قوای مسلح سربداران ایران میبوندند. با با بسیج و یار کردن سپاه عظیم همسایه ما ز دران و سواران ایران راه میدان جنگ آزادی با استبداد تبدیل کنیم و میهن عزیزمان را آزاد گردانیم."
بهرورثا دستبرد سربداران ایران!
بر افرایشه با دیر جرم را استقلال طلبانه و آزادخواهان خلق!
سرنگون با در رژیم حاکمی جلا!

۲۵ آذر ماه سربداران
اعلامی که نسبت به پیشبرد انقلاب بهمن ۵۷ و ۷۵ هزار شهید و مجاهد را در رحمتی آن احساس دلچسپی و تمهیدی نماید. می بایست هم هم در حرف و هم در عمل به آن سربدارانند.

جدید پیش اعلامیه ای از گروه ارادتمندان در خطه شمالی صورت گرفته است
 "حقیقت" درج کردیم. اخیراً اعلامیه نظامی شماره ۲ سرداران منتشر شده که برای آگاهی بیشتر
 مردم ایران در این باره اقدام به ترجمه آن می‌کنیم:

اطلاعیه نظامی شماره ۲ سرداران

هر یک و حب خاک سراسر این خطه و نیامی ایران نقطه امنی است
 برای ارتباط با مردم - به گمان اینکه نقطه ارتباط سرداران
 و مردم تنها راه‌های ما شین روستا - با بدین راهها کنش رسول
 می‌باشد. ما پیشا پیش از چنین بی‌نامه‌ها ش خردا شمیم و طهر روز
 هفدهم اطلاع دقیق از چگونگی استقرار نیروهای دشمن در این
 راهها به رزمندگان بازنه شده. هنوز چند ساعت پیشتر از آمدن آنان
 به حواشی جنگل نگذشته بود که ما بر اساس اطلاعات رسیده تصمیم
 گرفتیم راه نمودن آن راه چه سریعتر سد کنیم. بدین منظور صبح
 روز هفدهم نیروهای ما در سه جبهه زرک، محمدآباد و جاده ما مؤاده
 عبدالله آماده، مقابل با دشمن شدند. در جاده اما مراده عبدالله
 و محمدآباد علی‌رغم حضور غلظی حشدی ما غنم رزمندگان سردار
 و رخداد یک مورد سیراندازی، نیروهای دشمن حتی حشد یک گام
 پیش نرفتند. با یکدیگر در جاده، بعد از که مردوران دشمن بدام
 سرداران آفتاب دندون می‌نزدی که پیش از یک ساعت و نیم از ۱۱ تا
 ۱۲/۵ ظهر طول کشید، به اعتراف خودشان ۸ کشته و تعداد زیادی
 زخمی دادند. جا درها و مهمات و تعداد کتان بوسیده، رزمندگان
 ما به آتش کشیده شد و هر یک از راهی گرفتند. در این نبرد صمیمی
 همگروهان ما بی صدا شمیم. ما جوان حزب الهی، آسمه صمیم و
 لشکر و گردان ما شماره ۱ و بی شماره حزب الهی که در مقابل زمان
 و کودکان بی بنا و در پی برادران و برادران و برادران و برادران
 و در برادران و برادران و برادران و برادران و برادران و برادران
 بخوبی نشان می‌دهند. و ما آماده استعمال اسلحه می‌باشیم

۲ - درگیری ۲۵ آذر ماه - جاده زرک
 زور و تصمیم در یک گروه از رزمندگان ما به محل درگیری دو
 روز قبل رسید ما از وضعیت نیروهای دشمن خبر گرفتیم. که با ما
 گروهی از آنان که به آمادگی همان جاده آمده و در حال بازگشت
 بودند در پیرو شدند. درگیری نزدیک ساعت ۴ بعد از ظهر آغاز و در
 بهای ما بدن ۱۲ کشته و زودوران ما به پاسداران ضد انقلاب
 پایان یافت. در این درگیری بی‌آیا رزمندگان ما آنجسار
 حزب شینی به آدمکشان خمینی نشان دادند که هرگز بر ما موثقیان
 نخواهند. مردم این منطقه که تحت فشار کشتیها و غیره ای میانه
 جان رسیده اند بی‌شکی ویژه در کسکه به ما با افتا کردند و ما شمیم
 سرگ از موفقیتها نرا اندنوی این مؤثراتیم. مکنه ای که در اینجا
 با بدیدان اشاره شود، استفاده از نیروها به سمت خمینی از
 میانه آن غیر غلظی و با آکا به غلظت مل مطبوعه در جزا ما به ما صره
 جنگل است. ما آنجا که اطلاع داریم اکثر ما ها نی که به نفسناط
 اطراف جنگل آورده شده اند غیر بومی هستند و بسیاری شان هیچ
 اطلاعی از درگیریهای قبلی و وضعیت نیروهای ما ندارند. و
 دستگاه بوسیده، خاکم نیز با تلاش ما می‌کوشد و رسیدن احسا
 مهاررات ما به مردم و حتی نیروهای خودشان جلوگیری کنند.
 بطوریکه در مورد هم آدر شمیم ۸ تن از شهدای ما را کد است
 که این مردوران در کما شریفین بودند.
 آهوشده اند. ما از سیم که اس سوطه، کوب را بر مردم شمیم
 و در این راه دست استمدادمان سوی شما می‌سوزد و انقلابی و
 همه در خطه ۷

مردم ما را برای
 سرداران، مهمی که فرزندان آگاه و غیرتمند ما مردم
 با الهام از سنن انقلابی و هیران و سرداران جنش آزادخواهی
 و استقلال طلبی این مرز و بوم با آتکا به شور و تکان انقلابی
 شما مردم ما به گذاشته اند، امروز نتیجه در پیچه حکومت ما سدر
 تنها رخمینی انداخته، ما به آتکامی رزمندگان خسود را
 و شقیه، نجات میهن و آزادی آرزوهای شوم و حوی گرفته سلطه
 ما گم شده اند. هر بومی ما بد حنا بنکا را این دوسوا ما غنم، و
 بر آست تا در این نبرد در شوش ما ز، را قیا مکران ار خمینیست
 بهمن ۵۷ را اندام ششیده، بیگانه خون شسته، آمال و آرزوهای
 شما مردم را از سارت جنگال این حکام پلدا ی خون آشام رها شتی
 بخشند.

مردم دلاور ایران
 منین تلاقه، ما که مورد بیورش سر حما نه و قرون وسطانی
 منشی ما هل فاسد ترا گرفته و هر یک با ریدگریا و طفر و ششی
 ملانان خیره سر و خود و در پیش به جز آگاه ما من امیر با لبست هسای
 خوشنوا را بر ما شقی کشیدند که ده به سپاه از جان گذشتگی های
 انقلاب شکوهمند ۵۷ که ما ریچه دست او ما ش و زرافل در سسار
 غمینی کشیده و طاعت حال و بنا بر سر طاعت که به و قیما نه در بر شکل
 سکی مورد تعرض و محار و در سوسپرتان شما دها کم ترا گرفتند.
 به اندر چه سر به صریح با ما و به اس همه پیدا دو شیم با بسا ن
 داده شود. این وطیقه، انقلابی و میهنی نکا یک ما ست و در این
 راه است که سرداران معنویان شقی بیشتر و خمینی انقلاب خلق
 به سیر دور و ما روسی با آدمکشان خمینی اینطند و هر ترش این
 مردوران را با آتش سلاح دلاوران خود با سح منگوسند
 در اطلاعیه نظامی شماره ۱ بخشی از اولین درگیری های
 خود را با مسلسل چنان سر و خود ما حتم، خمینی و دستاوردهای
 رزمندگان ما را در اس درگیریها به اطلاع شما مردم رساندیم و
 استنار گزارشی دیگر را در درگیری دیگر:

۱ - درگیری در جاده معدن زرک
 ما به پاسداران ضد انقلاب پس از آنکه در نبرده ۳۳ آبان
 شقی نکینی آنجا ن غصصا سر و پیرو شدند و سیرا ره، همه ما را سدهی
 و ما هاش در هم با شد و حدود ۵۰ کشته و آتکها سلاح و مهمات
 بجای گذاشت و کرمیج، و آن شده چون سوان ما شمیم
 ما مکران سردار در جنگل را سدر، در سر راههای رود
 جنگل سر و کداسه ما را به اصطلاح به ما صره، نظامی و اغمنا دور
 سمدار در اس سوما به منظور منحصر از ۱۷ آذر ماه جاری قرار پیود
 اعا رگردد. ما در سر راههای زرک، محمدآباد، اما سسزاده
 عبدالله و سکو محله سر و کداسه شدند و هر کس که در کما شقی
 به سس آدر کما شقی ۱۱ اس استنار جردل کما شقی
 رزمندگان سرمدار سسوزون آنجا نند که هر در پیما خود و رها سس
 در پی ما به سلاحها سسوزون
 در سرمدار، همسر
 شقی و شمیم و سسوزون سسوزون استنار برای مردم
 همه در خطه ۷